

غذا برای جهانی گرسنه

نوشته آنتوان داکوره

مسئله بزرگ گرسنگی در جهان سالها محور بحثهای طولانی در سازمانهای گوناگون دولتی، غیردولتی و بین‌المللی بوده است.

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در تحقیقی جالب توجه با عنوان کشاورزی: در آستان سال ۲۰۰۰، هشدار داد که این مسئله اوضاع را به تباهی خواهد کشاند و برای آنکه گرسنگی به گونه‌ای مؤثر مهار شود پیشنهادهایی مشخص ارائه کرد. با این همه باید اعتراف کرد که امروز وضع ناگوار محرومان جهان پیوسته به وخامت می‌گراید. نزدیک به ۵۰۰ میلیون انسان در مانده در فقر با تهدید روزانه قحطی روبرویند. جمعیت کشورهای آسیب‌پذیر به میزان ۲/۵ درصد در سال افزایش می‌یابد، در حالی که افزایش سالانه تولید غله در سطح یک درصد ثابت مانده است. اگر این روند ادامه پیدا کند، نیاز به کمک غله، که در ۱۹۷۹ به ۷/۶ میلیون تن بالغ می‌شد، تا ۱۹۹۰ به حدود ۲۱ میلیون تن خواهد رسید.

«اگر کشاورزانی که طرحهای کشاورزی به خاطر آنان اجرا می‌شود، صمیمانه احساس نکنند که باید با پیوندگی در اجرای طرحها مشارکت کنند و مطمئن نباشند که اجرای چنان طرحهایی به سود خود ایشان است، حتی بهترین طرحهای کشاورزی که با اتکا به تمام مواد و وسایل فنی و منابع مالی مورد نیاز به وسیله کارشناسان طراحی شده، محکوم به فنا و بی‌حاصلی است.»
عکس زیر: فلاخان سختکوش مصری.

منابع زیرزمینی در بسیاری از مناطق سخت کاهش یافته‌اند. فشار جمعیت که عامل بهره‌برداری بیش از اندازه و فزاینده زمینهای قابل کشت و موجب نابودی گیاهان است، و نیز آثار زیانباری که چرای وسیع دام بر چا می‌گذارد، سرانجام سبب می‌شود که این زمینها سرعت بایر گردند و نتیجه این امر در میانمدت، درست به اندازه فاجعه‌انگیزی گزندآور است. قحطی سیاره ما را تهدید می‌کند و با این حال ماهه ساله به از میان بردن بیش و کم ۲۰ میلیون هکتار زمین ادامه می‌دهیم.

چرا این مسئله به رغم همه نشانه‌هایی که دال بر تحلیل دقیق و هشدارانه آن است حل ناشدنی می‌نماید؟ بی‌تردید، دلایل بسیاری وجود دارند که به نظر می‌رسد عمده‌ترینشان آن باشد که هم‌ملتهای در حال پیشرفت و هم‌ملتهای صنعتی فاقد شهامت سیاسی لازم برای انجام جدی اقداماتی هستند که به آنها توصیه می‌شود. آنچه حائز اهمیت است آن است که تا حد ممکن



◀ روشهایی را بجوییم که کشاورزان خود بدانها روی می‌آورند، نه آنکه در تصمیم‌گیری از سوی آنها اصرار ورزیم و بی‌توجه به عقایدشان راه‌حلهای خود را بر آنان تحمیل کنیم. این شرط اصلی جلب همکاری آنهاست. هیچ دگرگونی ژرفی بدون شرکت یکدلانه کشاورزان نمی‌تواند رخ دهد. مشارکت آنها نه با فرمان ریاست جمهوری حاصل می‌شود نه با تصمیم وزارت. به اقدامات ملموس و هماهنگ نیاز است تا به شیوه‌ای مترقی محیطی دلخواه ایجاد شود. محیطی که در آن کارها قدم به قدم و به گونه‌ای انجام شود که برای کشاورزان پذیرفتنی باشد و نه آنکه با شتاب سیاستگران و فن‌آزمودگان به پیش ساخته شود. کشاورز باید مطمئن باشد که زمینی که لازم دارد همراه با بذرها، وسائل کار، و دیگر عوامل تولید، در کیفیت مناسب، بموقع و به قدر کافی برای او فراهم خواهد بود. علاوه بر این، باید نوعی تضمین داشته باشد که وقتی برداشت آغاز می‌شود، ثمرهٔ زحمتش به یغما نخواهد رفت.

چنانکه در بررسی کشاورزی، در آستان سال ۲۰۰۰ تأکید شده است، باید تا سال ۲۰۰۰ حل مسئله گرسنگی ممکن شود. با این همه باید بگوییم که علی‌رغم تأکید قابل ملاحظه‌ای که بر همهٔ عوامل مؤثر در موفقیت برنامه‌ها می‌شود، چنین احساس می‌کنم که هنوز به این پرسش حیاتی پاسخ داده نشده است: «چه اقدامات مشخصی می‌توان انجام داد تا انگیزه‌ای که لازمهٔ پیشرفت در زمینهٔ تولید کشاورزی است فراهم شود؟» سازمانهای یونسکو و خواربار و کشاورزی جهانی به منظور بررسی دقیق این پرسش می‌توانند با سازمانهای تخصصی کشورهای ذیربط اقدام مشترکی را تعهد کنند.

به عنوان نخستین گام، کمک مواد غذایی که ما را قادر می‌سازد سرعت و در ضروریترین موارد وارد عمل شویم عامل بسیار مثبتی است. این عامل می‌تواند به تثبیت قیمت‌های مواد خوراکی کمک کند و تلاشهایی را در جهت افزایش کمیت و بهبود کیفیت فرآورده‌های کشاورزی صورت می‌گیرد ترقیب کند. کمک دهندگان و کمک‌گیرندگان مواد غذایی باید مراقب باشند که عمل خود را همیشگی نسازند، زیرا تعهد طولانی تولید کشاورزی محلی را مدتهای دراز از رشد باز خواهد داشت.

از این استثنا که بگذریم، هیچ کس نمی‌تواند ضرورت کمک غذایی را که به طرز صحیح و سازمان یافته انجام می‌شود منکر شود. با این همه، چنانچه کشورهای کمک‌کننده تسلیم این وسوسه شوند که امر کمک غذایی را به عنوان حربه‌ای در روابط بین‌المللی به کار گیرند، امکان ایجاد سلاحی مهیب و تهدیدی جدید علیه صلح را فراهم آورده‌اند.

آوریل ۱۹۸۴

آنتوان داگوره **Antoine Dakouré**، وزیر پیشین برنامه‌ریزی و توسعهٔ کشور افریقایی بورکینا فاسو (Burkina Faso)، وی در ۱۹۷۳ رئیس شورای برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل متحد (UNDP) و نیز از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ نمایندهٔ کشور خود در اتحادیهٔ اقتصادی اروپا بود و همچنین عضویت کمیسیون مستقل برانت را به عهده داشت.